

این سال‌ها

تا به حال چند فریم عکس گرفتید؟ و به چه موضوعاتی پرداخته‌اید؟

خیلی زیاد (بای خیلی رami کشد و می خندد) مقدار زیادی نگاتیو عکس دارم. واقعا تعدادش بی شمار است. بیشتر به عکاسی طبیعت، مستند اجتماعی و ورزشی علاقه مند بودم. یاد می آید اوایل انقلاب بود که در مزرعه‌ای عکاسی می کردم. روزی اتفاقاً گندم‌های مزرعه آتش گرفته بود. هرکسی آن فریم را دیده بود می پرسید این عکس را کجا گرفتی و چه طور توانستی بگیری.

مهم‌ترین عکسی که گرفتید و در پی آن ماجراهای مختلفی اتفاق افتاده کدام عکس بوده است؟

در ۱۴ فروردین هر سال در شهر اسفراین، مسابقه کشتی چوخه برگزار می شود. در ابتدای دهه ۷۰ در این مسابقات به عنوان عکاس ورزشی حضور داشتم. سال ۷۵ در جشنواره منطقه‌ای سینمای جوان که در مشهد برگزار می شد، استاد گیلانی فر از من خواست به جشنواره عکس بدهم. راستش هیچ وقت در جشنواره‌های عکس شرکت نکرده بودم و نمی کنم. به هر حال از همان مسابقات چوخه عکسی دادم که در جشنواره اول شد. عکس هم قابی از تپه‌ای بزرگ بود که از بالا تا پایین تپه مملو از انسان بود و در بخش جلویی عکس، دو نفر در لباس خاص چوخه کاران مشغول کشتی بودند. تا آن سال ندیده بودم کسی از کشتی چوخه عکس بگیرد. بعد از آن که دیدند عکسی از این ماجرا اول شده، دائم می آمدند و از من پرس و جوی می کردند. حالا هر سال جمعی از عکاسان برای ثبت این رویداد به اسفراین می روند. می شود گفت جریان عکاسی از رویدادهای محلی و روستایی با آن عکس من شروع یا تقویت شد.

وضعیت عکاسی امروز مشهد چگونه است؟

سال‌ها قبل با دوستان عکاس، دنبال راه اندازی انجمن عکاسی خراسان بودیم. آن مجموعه، راه اندازی شد و حرکتی خوب هم شکل گرفت. اما پس از آن متضرر شدند؛ چرا که افرادی انتخاب شدند که در نهایت عکاس بودند اما مدیریت و ارتباطات در بخش عکاسی نیا موخته بودند!

برای شروع عکاسی چند هزار تومان دوربین و تجهیزات لازم است؟

چندان به دوربین و لنز ویژه داشتن، معتقد نیستم. یک فرد می تواند با دوربین کرایه‌ای کارش را شروع کند و عکس‌هایی بگیرد که فردی با داشتن تجهیزات بیست میلیون تومانی هم نتواند چنان عکس‌هایی بگیرد. اصل عکاسی در نگاه و اندیشه عکاس اتفاق می افتد. عکاسی در ذهن اتفاق می افتد و نه با فشار دادن انگشت نشانه بر شاتر! مکرر دیدم افرادی با لنزهای گران در مراسمی عکاسی کردند اما یک فریم خوب هم نداشتند.

بالا لاق ۱۰ هزار عکسی که هر عکاس پس از

چند سال عکاسی دارد چه می توان کرد؟

یک بخش کار، عکاسی است و یک بخش

فیلم سازی، بازیگری و دوبلاژ

درباره فیلم‌هایی که ساختید بگویید.

تعداد فیلم‌هایی که ساختم بیش از ۶۰ عنوان شده است. همیشه حس و حال در فیلم سازی برایم مهم بوده است. به نظرم بهترین فیلمی که ساختم و برای دل خودم بود، فیلمی از کلاس درس پسر ۷ ساله بود، است. در کلاس درس، معلم می خواست درباره آب به شاگردان توضیح دهد و همین جریان سوژه فیلمم شد. عموم افرادی که آن را دیدند گفتند هم سوژه ات ناب بوده و هم روایت دلچسپی از آن داشتی. آثار متعددی در بخش مستند ساختم. ورکشاپ نقاشی ای را مستندنگاری کردم که با حضور شش نقاش مشهودی انجام شد. خروجی آن اثر، تحسین همه دوستان را برانگیخت.

شما در بخش دوبلاژ هم کار کردید؟

بله! این بخش از هنر، ساخت خوبی برای من بوده است. ۱۵ سال قبل، ویدئو سانه‌ای در مشهد راه اندازی شد. فیلم‌ها را از خارج می خریدیم و در تهران با استفاده از هنرمندان تهرانی در استودیوهای مختلف دوبله و سپس ارائه می کردیم. من از مسئول ویدئو سانه خواستم یک فیلم انیمیشنی را در مشهد دوبله کنیم. مسئول کار گفت در مشهد کسی را در این بخش نداریم. گفتم اجازه بدهید و تست بزنیم. هشت پرسوناژ در این انیمیشن وجود داشت. در مشهد از میان ۲ هزار نفری که تست دادند، هفت نفر را که صدای خوبی داشتند انتخاب کردم. البته آن‌ها تجربه کار نداشتند و با آن‌ها کار کردیم و عملاً آموزش دوبلاژ می دادم. نفر هشتم هم پیدا شد و بالاخره بعد از هشت ماه کار جدی، آن انیمیشن دوبله و پخش شد. شاید تا قبل از آن زمان در مشهد صرفاً صدا و سیما یا خراسان اتفاقاتی در بخش دوبله افتاده باشد اما در قسمت خصوصی چنین چیزی وجود نداشت.

بازیگری هم کردید؟

بله در تئاتر و سینما بودم. اولین بار در سال ۵۸ به کارگردانی مصطفی جهانشیری اپرای جشن خون را به صحنه آوردم. نمایش در سالن و البیال مهران برگزار می شد. سالن ظرفیت سه هزار نفر داشت و بیانگر آغاز خلقت تا اول

انقلاب اسلامی بود. صف

ورودی از ورودی سالن

تا چهار بار بیسیم ادامه

داشت. دیگر پس از آن

کاری با آن عظمت در

مشهد اجرا نشده است.

در آن نمایش کمال غراب،

محمد صفار، مصطفی زاده

و من حضور داشتیم. زنده یاد

مهراف هم در آن اپرا، بخش نور

را بر عهده داشت. در سینما

هم برای علی سردرودیان

و ابوالفضل عطار و

سرگلزایی بازی

کرده‌ام.

کار، تلاش برای انتشار آن‌ها. باید سعی کرد در نمایشگاه‌ها شرکت کرد. چاپ کتاب هم راه دیگری است. فضای مجازی هم کمک‌رسان خوبی شده است. اینستاگرام خوب است. من از تلگرام هم استفاده خوبی در این جهت کرده‌ام.

با تلگرام چه می کنید؟

اهالی هنر و عموم هنردوستان خبر دارند! هر روز صبح پس از نماز صبح یک فریم از آرشیو تئاتر، سینما یا دیگر عکس‌هایم را منتشر و برای ۳۰۰ تا ۵۰۰ نفر ارسال می کنم.

آیا عکاسی در مشهد دچار باندبازی شده است؟

بله! همچنین اتفاقی افتاده است. هر کسی آمده چند نفر را دور خودش جمع کرده و گروه بازی می کند. چند وقت قبل در نمایشگاه عکس پایان دوره یکی از استادان عکاسی شرکت کرده بودم. او عکاسی را در دهه ۸۰ شروع کرده بود. در حین دیدن تابلوها او به من برخورد کرد و گفت چرا به نمایشگاه آمدی؟! خنده ام گرفت! گفتم من بیشتر از ۲۰ سال است از تجربه عکاسی دارم. آمدم کار به‌جای نوعکاس را ببینم و اگر نکته‌ای به نظرم می رسد برای بهتر شدن کارهایشان تذکر دهم.

تا به حال چه نمایشگاه‌هایی برگزار کردید؟

بیشتر در نمایشگاه‌های گروهی عکس شرکت داشته‌ام. سه سال قبل در قالب یک گروه هشت نفره، ۸۰۰ عکس را در نگارخانه‌ای اکران کردیم. شیوه اکرانمان هم تا آن زمان سابقه نداشت. هر عکاس ۱۰۰ عکس داشت و برایش دیواری جداگانه در نگارخانه رضوان تعیین کردیم. عکس‌ها را روی DVD ذخیره کردیم و توسط دستگاه پروژکشن هر عکس به مدت ۸ ثانیه نمایش داده می شد. سال بعد نمایشگاهی با موضوع طبیعت برگزار کردیم. این نمایشگاه با همراهی ۲۹ عکاس از بخش‌های مختلف ایران برنامه‌ریزی و اجرا شد. تماشاگران نمایشگاه وقتی اسامی عکاسان را در پوستر می دیدند، با تعجب از من می پرسیدند فلان عکاس را از کجا پیدا کردی؟ ما فکر می کردیم این عکاس فوت کرده است! مدیریت نمایشگاه داشتن یعنی همین که بتوانی آدم‌های پراکنده را به هم وصل کنی و کاری قابل ارائه داشته باشی و گرنه با ۴ نفر رفیق، نمایشگاه راه انداختن هنر چندانی نمی خواهد.

آیا برایتان در عکاسی مستند اجتماعی اتفاق

بدی هم افتاده است؟

بد نه! اتفاق خوب این است که در همه سال‌هایی که مستند اجتماعی کار کردم، هیچ وقت کسی جلویم را نگرفته که چرا عکاسی می کنی! صرفاً یک بار در مدینه که عکاسی می کردم، شرطه‌های عربستانی با من برخورد کردند. باید شبیه فضایی باشیم که عکاسی می کنیم. مثلاً بعضی هیئت‌های مذهبی، خوش ندارند از آن‌ها عکاسی شود. اگر سرو شکل عکاس و رفتارش بتواند سازگار با محیط باشد، مشکلی نخواهند داشت.

بنده در محدوده
۶۰۰ دستگاه
زندگی می کنم.
مردمان این
حوالی را
می شناسم. سعی
کردم بچه‌ها و
هر کسی را که
به هنر علاقه
دارد به این سو
جذب کنم. خیلی
مراجعه کننده
دارم که می آیند
و عکس‌هایشان
رامی آورند تا
نظر بدهم. مکرر
می خواهند راهی
به آنها نشان دهم
که به سینما وارد
شوند. اما من
در کنار تشویق
می گویم سینما
دور نمای خوبی
دارد ولی باید
در مسیر آن
مراقبت‌های
فراوانی داشت.

